

تحلیل زیبایی‌شناسانه شخصیت‌های هنری در دیوان شهریار

چکیده

بررسی‌های موضوعی رسانه از دیوان شهریار نشانگر اشراف کامل آن مرحوم به تاریخ، مذهب، عرفان هنر، شعر و ادب و رویدادها و شخصیت‌های تأثیرگذار در اعصار مختلف در ایران بوده است. وی در کوتاه‌ترین فرصت‌های به‌دست آمده در قالب یادکردی از این مشاهیر ضمن زنده نگه داشتن نام و یادشان به عملکرد آن‌ها در حوزه فعالیتشان نیز نگاهی ظریف داشته است که نشانگر جامع بودن شخصیت فکری، ادبی و هنری آن مرحوم و مطالعاتش در این زمینه‌ها هست. مسئله پژوهش حاضر بررسی نحوه پرداخت دیوان شهریار به شخصیت‌های هنری است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مرحوم شهریار ضمن بیان نام شخصیت‌های هنری و ادبی در دیوانش، به کلیتی از شخصیت هنری و ادبی آن‌ها نیز توجهی درخور تأمل نشان داده است و ما این افراد را در دو گروه با عنوان شخصیت‌های هنری و ادبی به‌صورتی مجزا دسته‌بندی و بررسی شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل چهره‌های دینی و هنری در دیوان شهریار.
۲. علل توفیق شهریار در عرصه شعر و شاعری مطالعه دقیق دوایین (دیوان‌ها) شعری.

سؤالات پژوهش:

۱. دیدگاه استاد شهریار نسبت به شخصیت چهره‌های دینی و هنری چیست؟
۲. علل توفیق شهریار در مضمون‌سازی برجسته در دیوان اشعارش چیست؟

کلیدواژه‌ها: شهریار، شخصیت‌های هنری، شخصیت‌های ادبی، موسیقی، هنر.

مقدمه

یکی از پربرترین بخش‌های موجود در متن دیوان شهریار، بخشی است که او از پنجره نگاه نقادانه و شاعرانه و هنرمندش به مفاخر هنر و ادب نگریسته است. از آنجاکه شهریار از عنفوان جوانی در حلقهٔ اهل هنر و ادب راه یافت و از نزدیک با بسیاری از آن‌ها رابطهٔ دوستانه داشت لذا اطلاعات مفیدی را در این باره ارائه می‌دهد. او با دستگیری ملک‌الشعرای بهار توانست در چنین محافلی خود را معرفی کند و طبع لطیف و روح سلیم شهریار چنان بود که در دل اهل هنر و ادب می‌نشست. شعرهایی که از او به یادگار مانده است، دلنشین اهل هنر و ادب است حشر و نشر مستمری با هنرمندان و ادبا داشت. شهریار در جای‌جای دیوانش یا از باب یادکرد یا تحسین تعریض یا تعزیت و تسلیت‌گویی و اقتال آن از مفاخر هنری و ادبی که یا با آن‌ها حشر و نشر داشته و یا از طریق آثار فاخرشان به آن‌ها ارادت رسانده است، مطالب مفصلی داشته است. البته ذکر این نکته در این مجال خالی از فایده نتواند بود که ذکر خیر و ذکر نام اهل هنر و ادب در دیوان شهریار چنانکه در این پژوهش استخراج شده، بیش از آن بود و لیکن در برخی از آن‌ها یا در حد یک مصراع و یا تکبیت و یا در حد صرفاً یک‌بار ذکر نام در کنار نام دیگر بزرگان بود که اگر آن موارد را می‌آوردیم هم نوشته به اطناب می‌گرایید و خارج از حقیقت مورد نظر پژوهش حاضر می‌شد لذا به گفتهٔ نظامی عروضی سمرقندی در این باب که می‌گوید: «دبیر و نویسنده باید در سیاق سخن آن طریق گیرد که الفاظ متابع معانی آید و سخن کوتاه گردد که فصحاء عرب گفته‌اند: خیر الکلام ما قل و دلّ، زیرا که هرگاه که معانی متابع الفاظ افتد سخن دراز شود و کاتب را مکثار خوانند» (نظامی، ۱۳۱۶: ۳۰). وجود این اطلاعات در دیوان شهریار سبب می‌شود تا ضرورت بررسی بیشتر این دیوان برای دستیابی به اطلاعات دقیق از هنرمندان فراهم شود لذا در پژوهش حاضر این موضوع بررسی می‌شود.

چنان یادکردهایی که بدون توجه نقادانه و نکته‌سنجانه شخصیت صاحب هنر و ادب از جانب شهریار باشد نه برای این رساله و نه برای مخاطبان و دوست‌داران شعر شهریار سودمند و قابل استفاده نمی‌بود، بنابراین پس از استخراج همه اسامی و ابیات مربوط به آن‌ها، دوباره در موردشان بازنگری شد و گلچین حاصل این بازنگری اشخاص هنرمند و ادبی، این شد که مرحوم شهریار ضمن بیان نامشان در دیوان خود به کلیتی از شخصیت هنری و ادبی آن‌ها نیز توجهی درخور تأمل و درنگ نشان داده است و این افراد را در دو گروه با عنوان شخصیت‌های هنری و ادبی به‌صورتی مجزا دسته‌بندی شد.

بررسی پیشینهٔ پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشتهٔ تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشتهٔ تحریر درآمده است به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعه این نوشتار عاید خوانندگان شه‌ریارپژوه می‌شود، عبارت است از: توجه شخصیت‌شناسانه شه‌ریار به اهالی هنر در اکثر زمینه‌های آن و بازتاب تحلیل شخصیت آنان از منظر خودش در دیوان؛ بیان نقدهایی شاعرانه وظایف به برخی از آنان در کنار توجه به کلیات شخصیتی و هنرشان؛ تأکید مجدد بر این مهم که خود شه‌ریار علاوه بر اینکه شاعری ماهر و زبردست بود، در چند شاخهٔ هنر چون موسیقی، خطاطی و آوازخوانی دستی بر آتش داشت و نگاهش به هنر و هنرمندان نه از پنجرهٔ نگاه یک شاعر صرف، بلکه از منظر یک هنرمند توانمند نیز بوده است. می‌توان در این مقاله و در پژوهش‌هایی از این دست، سیر تحولی و حرکتی کاروان هنر ایران‌زمین را در دیوان شه‌ریار ملک سخن به نظاره نشست.

منابع و مأخذ:

قرآن

- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۹). بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج. تهران: نشر بزرگمهر.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما، ج ۳، چاپ نهم، تهران: انتشارات زور.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۴). گزارش به نسل بی سن فردا. تهران: نشر مرکز.
- بیهقی، ابوالفضل مجدین حسین. (۱۳۷۸). تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: چاپ مهارت.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۷۹). تاریخ ادب پارسی، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۵). شه‌ریار ملک سخنی، تهران: انتشارات داستان.
- ثرونیان، بهروز. (۱۳۸۲). اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای، تبریز: انتشارات آیدین.
- حاکمی، اسماعیلی. (۱۳۷۹). ادبیات معاصر، تهران: انتشارات اساطیر.
- سبکدل، محمدتقی. (۱۳۹۲). ستایش ائمه اطهار در اشعار شه‌ریار، تهران: انتشارات آرمان رشد.
- سپهری، سهراب. (۱۳۷۰). خانه دوست کجاست، با مقدمه استاد صائم کاشانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- شادبه، حسین. (۱۳۷۶). ترجمه منظوم حیدر بابایه سلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شبستری، شیخ محمود. (۱۳۸۸). گلشن راز، به کوشش شهربانو بهجت، چاپ سوم، تهران: چاپخانه مهارت.
- شتی، علی. (۱۳۷۷). دمی با خیام، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
- شه‌ریار محمدحسین. (۱۳۸۱). دیوان اشعار، بی‌جا: بی‌نا.
- شه‌ریار، محمدحسین. (۱۳۷۸). کلیات اشعار ترکی، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات نگاه.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۴۱ق). الامالی، قم: دارالثقافه للطباعة.
- علیزاده، جمشید. (۱۳۷۴). به همین سادگی و زیبایی (یاد و نام استاد شه‌ریار)، تهران: نشر مرکز.
- فریشلر، کورت. (۱۳۴۲). عایشه بعد از پیغمبر، ترجمه ذبیح‌اله منصور، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۴). سفینه‌البحار، ۲جلد، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

کلین، محمدبن یعقوب اسحاق. (۱۴۰۷ق). الکافی، جلد ۸، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
گلی، احمد. (۱۳۸۹). بلاغت فارسی، چاپ دوم، تبریز: انتشارات آیدین.
معین، محمد. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی ۶ جلد، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
نیک اندیش، بویوک. (۱۳۷۷). در فلوت شهریار، جلد ۳، تبریز: انتشارات آذران.
وحید دستگردی، حسن. (۱۳۸۱). گنجینه گنجوی، تهران: انتشارات برگ نگار.
ویرژیل، گئورکنستان. (۱۳۴۶ق). محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات
امیرکبیر.